

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٢١٣.٩

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده: پردیس باغ ملی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه هنر

موضوع:

بررسی رویکرد والتر بنیامین به هنر عامه در مقابل دیگر آرای مکتب فرانکفورت

استاد راهنما:

دکتر محمد ضیمران

استاد مشاور:

دکتر اسماعیل بنی اردلان

نگارش و تحقیق:

زهرا کمالی

شهریور - ۱۳۸۷

سازمان اطلاعات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
تعمیرات

۱۳۸۸ / ۵ / ۱۳

ورود به دبیرخانه دانشگاه هنر
شماره:
تاریخ: ۱۳۸۷ / ۶ / ۱۱

۱۲۱۳۰۹



Walter Benjamin
(1892-1940)

تقديم به:

مادر عزيزم

با تشکراز:

اساتید محترم جناب آقای دکتر ضیمران و جناب آقای دکتر بنی اردلان و همچنین

دوستانی که در انجام این پروژه مرا یاری نموده‌اند.

فهرست:

چکیده الف

مقدمه

۱- طرح مسأله‌ی تحقیق ب

۲- پرسش تحقیق ب

۳- اهمیت تحقیق ج

۴- روش تحقیق د

۵- کلید واژه ه

۶- فصل

بندی و

فصل اول: رویکردهای جدید به هنر عامه

مقدمه ۱

الف) جایگاه مباحث هنر عامه در فلسفه‌ی هنر معاصر ۲

ب) نظریه‌ی زیبایی‌شناسی و هنر عامه ۱۲

ج) تمایز هنر فاخر و هنر نازل ۲۲

نتیجه ۳۰

فصل دوم: مکتب فرانکفورت و رویکرد نقادانه به هنر

۳۲ مقدمه
۳۳ الف) مکتب فرانکفورت و رویکرد زیبایی شناسانه‌ی آن
۳۳ ۱-تاسیس مکتب فرانکفورت و محور فعالیت‌های آن
۳۷ ۲-رویکرد مارکسیستی به هنر
۴۲ ۳- مکتب فرانکفورت و هنر عامه
۵۲ ب)والتر بنیامین و مکتب فرانکفورت
۵۲ ۱- زندگی و آثار
۵۶ ۲- بنیامین و هنر عامه
۶۳ نتیجه

فصل سوم: هنر عامه در عصر بازتولید پذیری؛ پیروزی امر همه جا حاضر

۶۴ مقدمه
۶۵ الف) تجربه‌ی هنر در زندگی روزمره‌ی مدرن
۷۸ ب) بازتولید پذیری تکنیکی در هنر عامه‌ی عصر مدرن
۹۲ ج) تجربه‌ی مدرن در هنرهای عامه
۱۰۱ د) زیبایی شناسی و جنگ : رهایی در هنر
۱۰۸ نتیجه

فصل چهارم: سینما و عکاسی؛ هنرهای عامه عصر ما

مقدمه..... ۱۱۰

الف) عصر عکاسی و سینما؛ نشستن منش نمایشی به جای منش آئینی..... ۱۱۱

ب) مشارکت توده‌ها در سینما و تبدیل کمیت به کیفیت..... ۱۱۶

نتیجه..... ۱۲۲

فصل پنجم: هنر عامه؛ تقابل دیدگاهها

مقدمه..... ۱۲۴

۱- هنر در تمرکز یا تشتت حواس..... ۱۲۵

۲- هنر در آئین یا هنر در نمایش..... ۱۲۷

۳- لذت و نقد در هنر..... ۱۲۹

۴- بازتولید پذیری و صنعت فرهنگ..... ۱۳۲

۵- هنر عامه و هنر ناب..... ۱۳۶

نتیجه..... ۱۳۹

نتیجه گیری نهایی..... ۱۴۰

تصاویر..... ۱۴۳

منابع و مأخذ فارسی..... ۱۵۳

منابع و مأخذ لاتین..... ۱۵۷

Abstract..... ۱۵۸

چکیده:

مطالعه‌ی فلسفی در باب هنرهای عامه، در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. هنر-های عامه‌ای چون عکاسی و سینما، تجربه‌ی هنری را برای نخستین بار برای توده‌های وسیع، ممکن ساختند و هنر را از تعلق به طبقه‌ی اجتماعی خاص رها کردند.

والتر بنیامین به عنوان عضو حاشیه‌ای مکتب فرانکفورت به امکانهای گسترده و رهایی‌بخشی که در این تجربه‌ی جدید هنری نهفته است توجه می‌کند. او معتقد است در هنر عامه که مهمترین خصوصیت آن در عصر حاضر بازتولیدپذیری است، نیرویی نهفته که قادر است بر ضد سنت عمل کند. تجربه‌ی هنری جدید دگرگون‌کننده‌ی مفهوم خود هنر است و منش آیینی را به نفع منش سیاسی و اجتماعی کنار می‌زند.

این دیدگاه بنیامین باعث ایجاد مباحثه‌ای بین او و تئودور آدورنو دیگر عضو این مکتب گردید. او که در جهت مخالف دیدگاه بنیامین قرار دارد معتقد است که هنرهای عامه (که غالباً با اصطلاح «صنعت فرهنگ» از آنها یاد می‌کند) عامدانه به قصد مردم‌فریبی و دادن توهم به مخاطبان تولید می‌شوند.

اما باید گفت که این رویکرد بنیامین که عمیقاً متفاوت با رویکرد دیگر اعضای این مکتب است را می‌توان زمینه‌ساز زیبایی‌شناسی نوینی قرار داد که هنر را محدود به تجربه‌ای بدون غایت از آن نوع که در زیبایی‌شناسی کانت سراغ داریم، نمی‌کند.

مقدمه

۱- طرح مسأله‌ی تحقیق

هنر و فرهنگ عامه، چندی است که توجه نظریه‌پردازان بسیاری را به خود جلب کرده است. در عصر حاضر این حوزه، که در آن توده‌های وسیعی از مردم مشارکت دارند دیگر نه به عنوان امری پست و نازل، بلکه به عنوان حوزه‌ای شایسته برای مطالعات فلسفی، جامعه‌شناختی و... مطرح است. امروزه حضور این توده‌های میلیونی باعث ایجاد دگرگونی در ماهیت هنر گشته است. از آنجا که یکی از مهمترین مقالاتی که به بررسی ویژگی‌های این هنر می‌پردازد مقاله‌ی «اثر هنری در عصر بازتولید تکنیکی» است که توسط والتر بنیامین نگاشته شده است و به زعم بسیاری اندیشمندان از مقالات بااهمیت در حوزه‌ی هنر عامه است، لذا در این پایان‌نامه قصد بر آنست که ضمن بررسی جایگاه این مقاله در میان دیگر نظریه‌های مطرح در زمینه‌ی هنر عامه، به شرح بیشتر این مقاله پرداخته شده است و همچنین این پایان‌نامه توصیف‌گر چالش‌هایی است که رویکرد بنیامین در باب هنر عامه با دیدگاه دیگر اعضای مکتب فرانکفورت، خصوصاً آدورنو دارد.

۲- پرسش تحقیق

سؤال اصلی: آیا می‌توان در آرای والتر بنیامین، زمینه و مبانی‌ای تشخیص داد، تا بدین وسیله به پژوهش در هنر عامه پرداخت و ظرفیت‌ها و امکانات این هنرها را در عصر حاضر که با توده‌ی وسیع مخاطبان در ارتباط است، باز یافت؟

- سؤالات فرعی:

- ۱- آیا تفاوتی بین هنرهای عامه و هنرهای متعالی یا فاخر وجود دارد؟
- ۲- عنصر برجسته و خصوصیت اصلی تجارب هنری عصر حاضر در چیست؟
- ۳- ویژگی رهیافتهای مکتب فرانکفورت در مورد هنر و هنر عامه چیست؟
- ۴- چرا بنیامین بازتولیدپذیری را ویژگی هنر جدید می‌داند و این مسئله چرا از بابت فلسفی ما را به تأمل وامی‌دارد؟
- ۵- تفاوت دو جنبه‌ی آیینی و نمایشی هنرها در چیست؟
- ۶- تقابل و تعارض رویکرد بنیامین به هنر عامه با دیگر اعضای مکتب فرانکفورت در چه مواردی است و به چه علت؟
- ۷- هنرهایی چون عکاسی و سینما از چه امکانات بالقوه‌ی انتقادی‌ای برخوردارند؟
- ۸- هنرهای عامه برای بنیامین از چه جایگاهی برخوردار است و چه حجمی از آثارش به این مسئله اختصاص دارد؟
- ۹- چرا در این پایان‌نامه برای مطالعه‌ی هنر عامه‌ی عصر خود سراغ والتر بنیامین رفته‌ایم؟

۳- اهمیت تحقیق

علی‌رغم ترجمه‌ی آثار زیادی از والتر بنیامین به زبان فارسی، شرح دقیقی از افکار این متفکر آلمانی که در مورد موضوعات متنوعی به نگارش پرداخته‌است در زبان فارسی وجود ندارد.

بررسی آرا و افکار بنیامین به‌ویژه مقالاتی چون اثر هنری در عصر بازتولیدپذیری او در عصر حاضر که در آن به موضوع ویژگی‌های هنرهای عامه‌ای چون سینما و عکاسی می‌پردازد و اوصاف و دلالت‌های فلسفی و قابل تأمل آن را برمی‌شمرد، می‌تواند زمینه‌ی مطالعاتی را فراهم کند که جای خالی آن در میان مباحث فلسفه‌ی هنر حس می‌شود.

شکاف بین هنری که در دانشگاهها تدریس و بدان پرداخته می‌شود و هنری که با توده‌ی وسیع مردم در ارتباط است، ما را بر آن می‌دارد که پرسش کنیم که فلسفه‌ی «هنری» که مشتاقان میلیونی دارد، چه تمایزاتی با دیگر فلسفه‌های هنر عموماً آکادمیک دارد. بویژه اینکه هنرهای عامه چه ظرفیتهای و توانهای اجتماعی و سیاسی از منظر والتر بنیامین دارد.

۴ - روش تحقیق

روش تحقیق در این اثر، مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، تحلیل گفتمان و محتوای متون و آثار هنری مربوط می‌باشد.

۵- کلیدواژه‌ها

آلمانی	انگلیسی	فارسی
Erfahrung	Aura	۱- هاله
Technische reproduzierbarkeit	Mechanical reproduction	۲- باز تولید پذیری تکنیکی
Kultwert	Cult value	۳- ارزش آیینی
Ausstellungswert	Exhibition value	۴- ارزش نمایشی
Erlebnis	Experience	۵- تجربه‌ی زیسته
	Popular art	۶- هنر عامه
	Mass art	۷- هنر توده
	High art	۸- هنر فاخر
	Low art	۹- هنر نازل
	Emancipation	۱۰- رهایی بخشی
Authorität	Authority	۱۱- اقتدار
Echtheit	Authenticity	۱۲- اصالت
Einzigheit	Uniqueness	۱۳- یکتایی
Ablenkung	Distraction	۱۴- پراکندگی حواس

Schön schein	Beautiful semblance	۱۵-نمود زیبا
	Sence perseption	۱۶-ادراك حسي
	culture industry	۱۷-صنعت فرهنگ
Ritualistic function		۱۸-منش آیینی
Display function		۱۹-منش نمایشی

۶- فصل بندی:

این پایان‌نامه از پنج فصل تشکیل شده است. از آنجا که موضوع این رساله بررسی آرای والتر بنیامین در باب هنر عامه است، در فصل اول به مرور کلی مهمترین نظریات اخیر در باب هنر عامه، پرداخته‌ام و در میان آنها رویکرد بنیامین را با نظرات مشابه او در کنار هم آورده‌ام. در فصل دوم برای ورود به بررسی آرای بنیامین، به مباحث عمومی و همچنین هنر عامه نزد مکتب فرانکفورت پرداخته‌ام که اهمیت زیادی برای آن قائل بودند. سپس به جایگاه اندیشه‌های بنیامین در ارتباط با دیگر اعضای مکتب فرانکفورت پرداخته‌ام و آثاری از بنیامین که می‌توان اندیشه‌های او را پیرامون هنر عامه از آنها استخراج کرد شرح داده‌ام. چگونگی تجربه‌ی توده‌ای در هنر و مشخصه‌ی اصلی هنر در عصر مدرن که مشارکت عامه را در هنر بوجود آورده، موضوع فصل سوم را تشکیل می‌دهد. تجربه‌ی مدرن به طور کل منش هنر را در عصر جدید به کلی دگرگون کرده و تبعات مختلفی به همراه داشته است.

در فصل چهارم اندیشه‌ی والتر بنیامین را در مورد سینما و عکاسی به عنوان دو هنر تکان-
دهنده در ادراک حسی مدرن و نشان دادن منش نمایشی به جای منش آئینی توضیح داده‌ام و
اینکه سینما چگونه قادر است واکنش توده‌ها را برانگیزد.
در فصل پنجم (فصل آخر) در قالب چند مفهوم نحوه‌ی تجربه‌ی هنر عامه و توانهای بالقوه‌ی
هنرهایی چون سینما را از منظر بنیامین مطرح کرده‌ام و تقابل دیدگاه او را با دیگر آرای اعضای
مکتب فرانکفورت، به‌ویژه آدورنو و مارکوزه، برجسته ساخته‌ام.

فصل اول:

رویکردهای جدید به هنر عامه

مقدمه:

رویکرد والتر بنیامین به هنرهای عامه‌ای چون سینما و عکاسی در عصر مدرن در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و فیلسوفان هنر قرار گرفته است. برای پی بردن به مباحث بنیامین در باب هنر عامه نیاز است که علاوه بر آرای بنیامین، به تازه‌ترین رویکردها در باب مطالعات نظری هنر عامه نگاهی بیاندازیم و به طور کلی معنا و تلقی متفکران حوزه‌ی فلسفه‌ی هنر را از این عبارت توضیح دهیم. مطالعات هنر عامه به تازگی در فلسفه‌ی هنر جایگاه قابل توجهی را کسب کرده است؛ امری که پیش از این چندان به دلالت‌های فلسفی آن پرداخته نمی‌شد. در نتیجه در این فصل به مرور کلی برخی جریان‌ها و نظریات عمده این مباحث خواهیم پرداخت، ضمن آنکه اشاره‌ای کلی به جایگاه رهیافت بنیامین در میان رویکردهای جدید خواهیم کرد. هنرهای عامه آن تجربه‌ی زیبایی‌شناسانه را که هنر باید از هر مقصودی جز خود هدفی نداشته باشد، بر نمی‌تابد، لذا بسیاری از مخالفان تجربه‌ی زیبایی‌شناسانه به دفاع از هنرهای عامه پرداختند. در نتیجه مدافعان هنرهای عامه تمایزهای بسیاری را در هنر از جمله هنر فاخر و هنر نازل یا هنر عامه به پرشش کشیدند.

الف) جایگاه مباحث هنر عامه در فلسفه‌ی هنر معاصر

نقد و ارزیابی زیبایی‌شناسانه‌ی «هنر عامه»^۱ حوزه‌ای است که به تازگی در قلمرو مباحث زیبایی‌شناسی و فلسفه‌ی هنر قرار گرفته و توجه اندیشمندان و فیلسوفان هنر را به خود مشغول داشته است. تحولاتی که در نحوه‌ی فعالیت‌ها و تجربیات هنری ما در عصر جدید رخ داده باعث شده که نگرش ما هم نسبت به هنر به طور کلی تغییرات بنیادی کند. در چشم معاصران ما قوت گرفتن تجربه‌های مختلف هنری در بین عامه‌ی مردم و مشارکت انبوه مخاطبان در هنرهایی از قبیل عکاسی و سینما، درک زیبایی‌شناختی جدیدی را بوجود آورده، که بد یا خوب نمی‌توان از آن چشم پوشید. برخلاف هنری که صرفاً در دانشگاه‌ها، فرهنگستان‌ها، موزه‌ها و گالری‌های سطح بالا عرضه می‌شود و به آن پرداخته می‌شود که درک ویژه‌ای از هنر را به همراه دارد، فعالیت‌های فرهنگی و هنری‌ای که با توده‌ی وسیعی از عامه‌ی مردم ارتباط برقرار می‌کنند، دربر گیرنده‌ی موضوعات اخلاقی، سیاسی و اجتماعی وسیع‌تری هستند که پا از دایره‌ی «تجربه‌ی زیبایی‌شناسانه»^۲ به معنای خاص آن بیرون می‌گذارند و می‌توانند موضوعات با اهمیتی برای مطالعه و نقد فرهنگی باشند.^۳

از این رو جنبش‌های هنری و نیز جنبش‌های فکری و نظری متعددی بوجود آمده‌اند که نخبه‌گرایی در این زمینه را معیار زیبایی‌شناسانه نمی‌دانند و از نگاه انتزاعی به هنر پرهیز

1 - popular art

2 - aesthetic experience

3- در مورد تمایزات این دو هنر که از آن تعبیر به هنر فاخر (high art) و هنر نازل (low art) شده است در قسمت‌های بعدی همین فصل به طور مفصل‌تری به آن خواهیم پرداخت.

می‌کنند. در عوض سعی دارند فلسفه‌ای در باب هنر عرضه کنند که موقعیت عصر ما در آن بازتاب داشته باشد. در نتیجه این نوع رویکردهای جدید در فلسفه‌ی هنر، به هنر عامه و از جمله تمایزات مطرح در آن مانند تمایز بین هنر فاخر^۱ و هنر نازل^۲ توجه نشان می‌دهند. بنابراین فلسفه‌ی هنر از درک تجربه‌ی انضمامی هنر بدست می‌آید نه از تعریفی ازلی و ابدی برای هنر که تمام گونه‌های هنر را شامل شود.

مفهوم هنر در معنای خاص و مدرن آن که ما امروز از آن مراد می‌کنیم همیشه وجود نداشته و حتی این واژه در بسیاری از فرهنگ‌ها و دوره‌ها حتی به کار هم نمی‌رفته است. به عنوان مثال باستانیان و اقوام کهن میان هنر و آیین، مناسک و عقایدشان تمایز قائل نمی‌شدند. در کشور خود ما نیز تا سالها پیش بین هنر و صنعت تمایزی وجود نداشت و یا هنرهایی مانند موسیقی و شعرخوانی و نمایش در مناسک تعزیه خود را عرضه می‌کردند. اما تمایز هنر به مثابه‌ی کنش مستقل در عرصه‌ی زیبایی از حوزه‌ی دانش نظری که موضوع آن حقیقت است و اخلاق که موضوع آن خیر است، در قرن هجدهم و در عصر روشنگری صورت بندی شد. اگرچه تلقی آنها متأثر از هنر رنسانس بود، با وجود این، نظام نوین هنرهای زیبا در مقابل هنرهای کاربردی و هنرهای تزئینی در این دوره شکل گرفت. هنرهای زیبا اشاره به حوزه‌ای مستقل و خود بنیاد داشتند که در خدمت نیازهای روزمره‌ی زندگی ما قرار نمی‌گرفت، اما به جهتی متعالی و مسئله‌ای همگانی اشاره می‌کرد.

1 - high art

2 - low art

تقدس از جانب مذهب به سمت هنر کوچ کرد. « در این دوره همراه با کم رنگ شدن نقش کلیسا در جوامع غرب، هنر بدل به محرک قدرتمندی برای فعالیت‌های اجتماعی شد و در عین حال موضوعی پایان ناپذیر برای تاملات فلسفی.»^۱

دیوید ناویتس در مقاله‌ی خود با عنوان «زیبایی شناسی هنر عامه» غفلت از هنر عامه در نگاه فیلسوفان هنر را تا پیش از نیمه‌ی قرن بیستم مربوط به تأثیری می‌داند که اندیشه‌ی دوره‌ی روشنگری بر فلسفه‌های هنر به‌ویژه فلسفه‌ی انگلیسی-آمریکایی گذاشته بود. از نظر او ویژگی‌های تجربه‌ی زیبایی شناختی کانتی تا مدت‌ها نفوذ خود را به‌ویژه در تلقی‌های مختلف از هنر مدرن حفظ کرد. پس از کانت به نحو قابل توجهی این نظریه مورد پذیرش بود که هنر تنها زمانی ناب و اصیل است و باید مورد سنجش قرار گیرد که دارای ویژگی‌های زیبایی شناختی باشد. ویژگی‌های زیبا شناختی هم در تأمل فاقد علاقه‌ی^۲ سوژه-ی فردی خلاصه می‌شد. سنجش زیبایی شناسانه، اصالت یک اثر هنری را در استقلال آن اثر می‌دانست و نه این که هنر را به ابزاری برای اهداف اخلاقی و یا دینی یا تجاری و ... تبدیل کنیم. برای پیروان کانت آنچه بیش از همه اهمیت دارد، این تفکر است که بطور کل ارزش و اعتبار احکام زیبایی شناسی را «فرهنگ» تعیین نمی‌کند، بلکه آنها تنها مبتنی بر تأملی خود آئین (autonomous) از سوی افرادی است که ذوق و نبوغ خود را برای تعیین ارزشهای زیبایی شناسانه به کار می‌بندند.»^۳

1 - Stanford Encyclopedia of philosophy, " 18th century French aesthetics",www.plato. Stanford. edu

2 - disinterested contemplation

3 - David Novitz , "Aesthetics of popular art,"(The oxford hand book of aesthetics,Jerrold Levinson,oxford,2003), p,p: 732-733

از این بابت زیبایی شناسی دوره‌ی روشنگری بر جدیت و سوژکتیویته متکی بود که نتایج‌اش را در ویژگی‌های زیبایی شناختی سفت و سختی عرضه می‌کرد. هنر باید صاحب همان جدیتی می‌شد که از حوزه‌ی مذهب رخت بریسته بود. اهمیت غالباً مبالغه آمیزی که مقارن پایان یافتن قرن هجدهم به هنر نسبت داده شده است، بی تردید به زوال الاهیات متکی است. همانگونه که مارکس در بیانیه‌ی کمونیستی^۱ می‌نویسد: «هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود». نظام‌های تازه‌ی امور نمی‌توانند مدعی همان نوع مرجعیت و اعتباری باشند که از طریق سنت و الاهیات فراهم می‌آمد. از دست رفتن طبیعتی که گمان می‌رود معنایش در خود آن نهفته و ساختارش را خدا تضمین کرده است به جست و جویی برای یافتن سایر سرچشمه‌های معنی و جهت‌گیری‌های دیگر می‌انجامد. لازمه‌ی چنین جست و جویی همانا تجربه‌ی تازه‌ی طبیعت به منزله‌ی چیزی به خودی خود زیبا، و نه به منزله‌ی جلوه‌ای از الوهیت، و دانستگی تازه به این واقعیت است که انسانها می‌توانند محصولات هنرمندانه‌ای بیافرینند که اجزای به هم پیوسته‌شان از جهاتی اهمیت دارند که با علوم طبیعی قابل توصیف نیست.^۲

این موضع در قبال آثار هنری ارزش‌های خود آئین را چنان که اشاره شد از هنر طلب می‌کند که مستقل از حوزه‌های دیگر عمل می‌کنند. از این بابت جنبش‌های هنری مدرن و

1 - Communist Manifesto

² - اندرو بووی، زیبا شناسی و ذهنیت (از کانت تا نیچه)، ترجمه‌ی فریبرز مجیدی، فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۵